

فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق. م)

دکتر بهمن فیروزمندی

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

مصطفی عبداللهی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

چکیده

کاوشهای باستان‌شناسی که از سال ۱۹۶۵ به این طرف در پشت کوه لرستان انجام یافته است، موجودیت قبرستان‌هایی را از دوره قدیم عصر مفرغ تا عصر آهن III روشن نموده و از میان دوران‌های فوق، فرهنگ عصر آهن III بهتر از دوران‌های دیگر شناخته شده و این کاوش‌ها، مطالعه بیش از ۶۰۰ گور را، به ویژه از دوره عصر آهن III فراهم نموده است. به همین لحاظ در این پژوهش، برای روشن شدن گورستان‌ها، ساختار گورها و اشیاء تدفینی، در خلال نیمه اول هزاره اول ق.م. به ویژه در منطقه پشت کوه لرستان، کنکاش صورت گرفته و ویژه‌گیهای گورستان‌ها، ساختار معماری گورها، اشیاء تدفینی و سنت‌های به خاک سپاری مردگان روشن گردیده است. براساس این پژوهش، چنین روشن می‌شود که سنت‌ها، عرف و عادت و به ویژه فرهنگ تدفین، در عصر آهن، روی هم رفته تداوم سنت‌های تدفین عصر مفرغ بوده است. مقاله حاضر شامل سه بخش می‌باشد. در بخش اول به توصیف قبور و اشیاء تدفینی داخل قبرستانهای بردبال، ورکبود و چم‌ژی مومه پرداخته شده و در بخش دوم نگاه اجمالی به معماری و ساختار گورها در نیمه اول هزاره اول ق.م گردیده و در پایان نگاهی هر چند به اجمال، وضعیت و چگونگی تدفین مردگان در منطقه لرستان در هزاره اول مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ تدفین، باستان‌شناسی، اسکلت، سفال، لرستان، هزاره اول، قبر

مقدمه

یکی از مهمترین ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی هر جامعه، چگونگی تدفین مردگان آن جامعه می باشد که ارتباط مستقیم با فرهنگ و باورهای مذهبی هر جامعه دارد. چرا که از نحوه تدفین در جوامع فرهنگ‌های مختلف، می توان به رگه‌هایی از فرهنگ و باورهای مذهبی آنان پی برد. گورها از آن جهت اهمیت دارند که داده‌های مختلف از قبیل، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را در خود جای داده‌اند. همچنین می توان به ساختار اجتماعی - فرهنگی و فراوانی جمعیت و ارتباطات اجتماعی - فرهنگی و سیاسی یک جامعه با مطالعه بر روی داده‌های گورها پی برد. در لرستان ویژه‌گی‌های گورها و اشیاء به دست آمده از داخل آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که داده‌های باستان‌شناختی در طول هزاره اول و دوم ق.م. منطقه، فقط از گورستان‌ها به دست آمده‌اند و هیچ اثری از اماکن مسکونی که در ارتباط با صاحبان گورها باشد به دست نیامده است. از این لحاظ اطلاعات ما راجع به فرهنگ و تمدن این منطقه از کشورمان تنها از گورها استخراج می‌شود. آثار به دست آمده از گورهای لرستان تحت عنوان مفرغ‌های لرستان انگیزه بیشتر کاوشهای هیات‌های باستان‌شناسی بوده است که از این میان می‌توان به هیات انگلیسی اورل استین (Schmidt, 1938, 205) و هیات آمریکایی اریک اشمیت تحت عنوان هیات هلمز (Stine, 1940) اشاره کرد. تنها هیاتی که با اهداف کشف منشاء تمدن و فرهنگ لرستان کاوشهای باستان‌شناسی را آغاز نموده، هیات بلژیکی به سرپرستی پرفسور واندنبرگ (واندنبرگ، ۱۳۴۸، ۸۷) بود.

در مورد چگونگی مراحل تدفین این پژوهش باید گفت که ابتدا به گزارشهای مقدماتی و نهایی چاپ شده در ارتباط با بررسی‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی منطقه پرداخته شد. سپس از گزارشهای چاپ نشده در مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و گفتگو با حفاران ایرانی که در بعضی گورها کاوش نموده‌اند استفاده گردید. مرحله بعد شامل بررسی، بازدید میدانی و شناسایی محوطه در حد امکان، برنامه و زمان

بود که در این مرحله، گورستان لیلیم مهمترین و بزرگترین گورستان پیش کوه لرستان، کشف شد.

بیشتر کاوش‌های باستان‌شناسی در لرستان، مربوط به گورستان‌های منطقه می‌باشند که این گورستان‌ها از نظر زمانی شامل دوره کالکولتیک تا عصر آهن می‌باشند. لرستان، از جهاتی نسبت به دیگر مناطق ایران دارای مشخصه‌هایی ویژه می‌باشد. این منطقه با وجود صعب‌العبوری و محصور بودن در کوره راه‌های زاگرس، تا حدودی ارتباط خود را با دیگر نقاط ایران و بین‌النهرین حفظ نموده است.

گورستان‌هایی که توسط پرفسور واندنبرگ کاوش شده دارای گزارش کامل بوده و از اعتبار علمی برخوردار است، در این مقاله، در اولویت قرار داده شده‌اند. از جمله گورستان‌های کاوش شده مربوط به هزاره اول ق.م. میتوان به قبرستان‌های زیر اشاره کرد:

- ۱- بردبال ۲- ورکبود ۳- چم‌ژی مومه ۴- پایکال ۵- جوبی گوهر ۶- سر کبود
- ۷- لنگه گوری ۸- گیان ۹- خاتون ۱۰- تاتون بان ۱۱- تلیاب ۱۲- کل ولی ۱۳- دروند
- ۱۴- چغا سبز ۱۵- سرتنگ ۱۶- سلحشوری ۱۷- شورابه ۱۸- دار گیلاب ۱۹- کوزه
- ۲۰- چغامائیل بک ۲۱- کزآباد ۲۲- باغ لیمو ۲۳- چم شغال

همچنین چندین گورستان در بهار ۱۳۸۰ مورد شناسایی و بررسی واقع شدند که عبارتند از:

چشمه کیو کرفه- لیلیم، قروومالکه- گرزوزه. از میان گورستان‌های کاوش شده گورستان‌های بردبال، ورکبود و چم‌ژی مومه که مورد حفاری وسیع واقع شده و دارای گورهای متنوع می‌باشند، به اختصار به بررسی آنها پرداخته شده و سایر گورستان‌ها نیز همراه سه گورستان ذکر شده، مورد بررسی تحلیلی قرار گرفته‌اند.

گورستان بردبال

این گورستان در حاشیه رودخانه گراب، در نزدیکی چنارباشی و در ۴۵ کیلومتری جنوب شرق ایلام قرار دارد. این گورستان که در ارتفاع ۱۰۵۰ متری از سطح دریا واقع

شده در کاوشهای سال ۱۹۶۹ کشف شده است (Vanden Berghe, 1972a, 14). ابعاد محوطه‌ای که مورد حفاری قرار گرفت، ۳۰×۲۳ متر بود و ۷۰ گور مورد کاوش قرار گرفت که ۱۵ گور قبلا توسط قاچاق چیان، مورد حفاری غیر مجاز واقع شده بود. عمق گورها نسبت به کف زمین چندان زیاد نیست و بین ۴۰ تا ۱۱۰ سانتی متر قرار دارند. ولی بیشتر آنها در عمق‌های ۷۰ یا ۸۰ سانتی متری حفر شده‌اند. فاصله گورها نسبت به یکدیگر زیاد نبود. و این طور به نظر می‌رسد که گورها تقریباً در یک ردیف قرار گرفته و حدود سی گور در جهت شمال غربی - جنوب شرقی واقع شده‌اند. هفده گور تقریباً در جهت غربی - شرقی کنده شده‌اند. یازده گور شمالی - جنوبی‌اند و بقیه گورها مدورند. در طول شمال شرقی محوطه کاوش، آثار پی‌ریزی دیواری که به نظر می‌رسد گورستان را محصور می‌نموده، ظاهر شده و در پشت دیوار، با وجود کاوش‌های هیئت، هیچ گوری به دست نیامده است. دیوار دیگری در طرف جنوب شرقی، به طول ۹۵ متر گورستان را محدود نموده (Vanden Berghe, 1971c, 15). گورستان از طرف شمال غرب، به گودالی محدود می‌شده است. با این وصف نمی‌توان نتیجه گرفت که تمام گورستان بردبال مورد حفاری قرار گرفته است. در قسمت تحتانی گورها، سنگ‌های بستر رودخانه مجاور گورستان و قطعه‌های سنگ آهک جدا شده از کوه را می‌توان تشخیص داد (Ibid. 15).

ساختار گورهای بربال و اشیاء داخل قبور

بیشتر گورها زنبوری شکل یا مدورند و دیوارها از چند ردیف قطعه سنگ که بر روی هم قرار دارند، تشکیل شده‌اند. روی بعضی از گورها تخته سنگ‌های بزرگی قرار داده‌اند، ولی بعضی دیگر فاقد پوشش با سقف می‌باشند. در برخی از گورها، تخته سنگ‌ها را تراشیده تا بتوانند به طور صحیحی روی هم قرار گیرند. از این گورها در تاتولبان و شینان نیز دیده شده که در یکی از آنها در سال ۱۹۶۷ یک مجسمه کوچک مفرغی شبیه گلیگمش به دست آمده است. در بعضی از گورهای کم حجم، مثلاً گور

کودکان، در هر چهار طرف یک تخته سنگ بزرگ به صورت عمودی قرار داده شده است و در بعضی موارد، مرده را روی خاک گودال قرار داده‌اند و حدود گور را با تخته سنگ‌هایی مشخص کرده‌اند. این نوع گورها، سنگ پوشش گور ندارند. در برخی از گورها، مرده در داخل چاله قرار داده شده و روی گودال با تخته سنگ پوشیده شده است. بعضی از این نوع قبور دارای درب ورودی به صورت دو تخته سنگ می‌باشند. گورها معمولا مستطیل شکل‌اند ولی گوشه‌هایشان به صورت نیم دایره درآمده و زاویه نیز ندارند. بعضی از گورها تخم مرغی شکل‌اند و بعضی دیگر به صورت گرد و مدور هستند. بیشتر گورهای بردبال از سه طرف با قطعه سنگها پوشیده شده‌اند و از یک طرف سنگ بزرگی قرار داده شده که از آن به عنوان مدخل استفاده می‌شده است. کف بعضی گورها را با شفته آهک پوشانده‌اند. از آنجا که غالبا استخوانها از بین رفته‌اند، تشخیص استخوان‌های مردگان در گور آسان نیست، مثلا در یک گور، سه جمجمه با کمی استخوان و در گور دیگری هشت جمجمه به دست آمد. مهم‌ترین اشیائی که همراه مردگان در گور قرار می‌دادند عبارت بودند از ظروف سفالی و اشیاء فلزی. قسمت مهم اشیاء داخل گورها را ظروف سفالین تشکیل می‌دهند رنگ این سفال‌ها زرد است و گاهی متمایل به قهوه‌ای می‌گردد. هیچ یک از ظروف نقش ندارند و روی بعضی از آنها احتمالا با ناخن کنده کاری شده است (Ibid, 22). اشکال این ظروف عبارتند از:

- ۱- ظروف سفالین لوله دار با دهانه گشاد یا تنگ همچنین دسته‌دار یا بدون دسته که شبیه ظروف نوک‌دار طبقه V و VI سیلک است.
- ۲- ظروف لوله‌دار با یک دسته که نظایرش فقط در طبقه VI سیلک دیده شده است.
- ۳- شیردان یا آبخوری با دهانه گشاد و آبریز کوتاه با یک دسته.
- ۴- ظروف شکم دار.
- ۵- ظروف دارای دو دسته با دهانه تنگ همراه با نقوش کنده شده.

- ۶- ظروف دو دسته که دسته های آن به صورت عمودی قرار گرفته اند.
- ۷- ظروف پایه بلند، دارای دو دسته با کنده کاری.
- ۸- آبخوری های دسته دار.
- ۹- فنجان های دسته دار.
- ۱۰- ماست خوری.
- ۱۱- لیوان ها.
- ۱۲- کوزه های دسته دار یا بی دسته.
- ۱۳- جام های پایه دار، که بعضی از آنها سه پایه دارند.
- ۱۴- سفال نوع ور کبود با زمینه خاکستری یا خاکستری مایل به سیاه.

اشیاء فلزی گورستان بردبال

اشیاء فلزی معمولا از مفرغ، آهن و گاهی از هر دو فلز ساخته شده اند. اشیاء مفرغی را معمولا خنجرها، چاقوها، پیکان ها، تبرهای تشریفاتی، دسته چاقو تیز کن ها که به صورت سرگوزن می باشند، زینت آلات، حلقه های بستن موی سر، گوشواره، انگشتر، دستبند، خلخال، میل، سوزن، جوال دوز، دوک، مجسمه های مذهبی و ظروف تشکیل می دهند. بسیار دیده شده است که اشیاء فلزی که همراه مردگان در گورها قرار داده شده اند، عمدا شکسته یا پیچ خورده اند. که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- خنجرها: این نوع خنجرهای مفرغی حدود ۳۳ تا ۳۶ سانتی متر طول دارند و دارای دسته چوبی یا استخوانی بوده است. نظیر این نوع خنجرها در طبقه V حسنلو نیز بدست آمده است. (Vanden Berghe, 1973, fig 8).
- ۲- تبرهای تشریفاتی پیدا شده، که از ظرافت خاص این تبرها چنین بر می آید که جنبه زینتی داشته اند (Ibid, 20) و نه کاربرد جنگی. این تبرها قابل مقایسه اند با دو تبر کتیبه دار در مجموعه فروغی که نام پادشاه بابل و دیگر پادشاه ایلامی شیلهاک اینشوشیناک نوشته شده است و قدمت آنها به قرن دوازدهم ق.م می رسد.

۳- چاقو تیزکن‌ها که معمولاً دسته‌ای از مفرغ به صورت بز خوابیده دارند و نظیر این چاقو تیزکن‌ها روی نقش بر جسته آشوربانیپال دوم دیده می‌شود (Ibid, fig 20).

۴- بازوبندهای زینتی که معمولاً به دو سرمار منتهی می‌شوند.

۵- مجسمه‌های کوچک مرکب از دو حیوان شاخ‌دار که در برابر یکدیگر ایستاده‌اند. این اشیاء معمولاً روی پایه‌ای به شکل جام وارونه تعبیه شده‌اند (Vanden Berghe, 1970b, 15). گورهایی که در آنها اسکلت نسبتاً سالم به دست آمده کمیاب می‌باشد. با این حال آزمایش‌های انسان شناسی و مطالعه دقیق باقیمانده استخوان‌ها به وسیله «جانسون دانور» انجام شده است. از میان ۶۹ گور حفاری شده در بردبال به معرفی گور شماره ۶۲ می‌پردازیم. این گور از شرق به غرب جهت داده شده که توسط سه دیوار مرکب از چند ردیف تخته سنگ ساخته شده است. مدخل، با چند تخته سنگ مسدود شده و ساختار گور مستطیل شکل و فاقد سقف است. ابعاد خارجی گور $3/45$ متر طول و $1/90$ متر عرض و ابعاد داخلی نیز $1/85$ متر طول و $1/116$ متر عرض و $0/78$ متر عمق داشت. در وسط گور، اسکلت دختر جوانی در وضعیت سالم حفظ و به صورت خمیده دفن شده است. در یکی از گوشه‌های گور، تکه‌هایی از استخوان و دندان انسان وجود داشت. طبق مطالعات دکتر جانسون، بقایای استخوان، متعلق به مردی بیست و پنج ساله و اسکلت، مربوط به دختر بیست ساله ای می‌باشد. اشیاء تدفینی همراه مرده‌ها حدود بیست شیئی عبارتند از: چهار گلدان، هشت شیئی آهنی، دو مهره با سه انگشتر و یک گردنبند می‌باشد. ظروف سفالی روشن شامل دو ظرف یا گلدان با دو زبانه مقطع شکاف‌دار افقی، یک کوزه با دسته و یک کاسه با نیمرخ صاف با ارتفاع بیست سانتی‌متر. اشیاء مفرغی شامل قطعه‌هایی از یک خنجر، یک نوک زوبین، قطعه‌ای از یک تبر و یک جام پیچ خورده و تا خورده می‌باشند. همچنین در کنار اسکلت مویچ مارپیچ شکل به دو قطر دو سانتی متر، انگشتری به قطر $1/5$ سانتی متر، جامی به قطر $14/8$ سانتی متر و ارتفاع $6/5$ سانتی متر، سنجاق آهنی با سر لوله‌ای، دو مهر سفالی به قطر دو سانتی متر با نقوش حکاکی شده، گردنبندی با ۱۳ مهره که ۲۴

مهره آن از عقیق سرخ و چهار مهره از سنگ آهک می باشد. (Vanden Berghe, 1973a, 27).

گورهای بردبال ابتدا مختص تدفین انفرادی بوده و در بعضی مواقع، تدفین دو نفره یا چند نفره انجام شده است. این امر، نشان دهنده زمان طولانی استفاده از این گورستان می باشد. این گورها، با اشیاء تدفینی خود، زمان حدود ۱۱۰۰ تا ۷۵۰ ق.م را نشان می دهند. (Ibid, 35).

گورستان ورکبود:

گورستان ورکبود، در ۲۵ کیلومتری شمال غرب ایلام، نزدیک دهکده چوار، در انتهای دامنه کوهسار نزدیک رود کشکان، روی شیب جنوبی زمین گسترده شده است (قاسمی، ۱۳۷۵، ۶۱). گورستان ورکبود در دو ترانشه و در دو فصل جداگانه مورد حفاری قرار گرفت. ترانشه A در سال ۱۹۶۵، در ابعاد ۲۶×۱۱ متر و ۴۳ گور مورد کاوش قرار گرفت، ترانشه B در پائیز ۱۹۶۶، در ابعاد ۴۵×۱۵ متر حفر شد و ۱۰۶ گور پیدا شد (شکل ۱). گورها در عمق ۱/۲۰ متری تا دو متری می باشند. اکثراً، بین عمق ۴۰/۱ متر و ۱/۶۰ یافت شدند. در بعضی قسمت‌های محوطه حفاری، پایه‌های کوچکی در عمق هفتاد سانتی متری به دست آمد. هر کدام از این پایه‌ها که به شکل ستون تراشیده از سنگ است، در بالای گورها یافت شدند و بعضی دیگر دور افتاده بودند. در کنار ورودی بعضی گورها، سنگ‌های نذری قرار داده شده بودند که روی هر کدام از آنها، اعضای خانواده، قربانی‌هایی را به همراه داشتند.

گاهی سنگ نذری به وسیله یک ظرف جایگزین شده بود (Vanden Berghe, 1968b, 63). این سنت هنوز هم در بعضی گورستانهای دوره اسلامی منطقه مانند گورستان «داود خادم» دیده می شود.

گورها در فاصله کم از یکدیگر قرار دارند و طبق روش مشخص، گروه بندی شده‌اند. آنها اغلب به ترتیب یکی پشت دیگری، طوری که راههای باریک بین دو

ردیف گورها دیده می‌شود، حفر شده‌اند. نزدیک دیوار شمال غرب ترانشه A و دیوار جنوب غرب ترانشه B آثار ساختمان دیواری پیدا شد که بنظر می‌رسد گورستان را به بخشهای متفاوت تقسیم می‌کنند (Ibid,162). سی گور از چهل و سه گور ترانشه A و یازده گور از ۱۰۶ گور ترانشه B دارای جهت شمالی - جنوبی می‌باشند. در این قبرستان در کنار قبور سنگی تعداد کمی از قبور ساده خاکی نیز وجود دارد، که با توجه به اشیاء تدفینی، مربوط به قشر پایین جامعه می‌باشند. تظاهر بقایای دیوار سنگی در جنوب غربی این گورستان، این احتمال را تقویت می‌کند که اطراف این قبرستان نیز همانند گورستان بردبال، به وسیله دیوار سنگی محصور بوده است.

ساختمان گورهای ورکبود و اشیاء داخل قبور

به طور کلی دو نوع گور از نظر ساختمان دیده می‌شود که عبارتند از گودالهایی ساده در زمین و گورهایی که دیوارهای آنها از چندین ردیف قطعه سنگ ساخته شده‌اند. اندازه گورهای ساده در ترانشه B چهار برابر گورهای ساخته شده توسط دیوار می‌باشد. در ترانشه A تعداد گورهایی که با این دو روش ساخته شده‌اند، ابعاد داخلی آنها ۵۳ تا ۶۵ سانتی‌متر طول و ۳۲ تا ۴۲ سانتی‌متر عرض برای کودکان و ۸۰ تا ۱/۴۰ سانتی‌متر طول و ۴۵ تا ۷۵ سانتی‌متر عرض برای بزرگسالان می‌باشد. عمق آنها به ۳۰ تا ۸۰ سانتی‌متر می‌رسد اسکلت‌ها به طور کلی نابود شده‌اند و شناسایی طرح اولیه اجساد به سختی امکان‌پذیر است اجساد در حالتی خیلی پیچیده و به وضع خمیده همراه لباس و اشیاء زینتی و اسلحه دفن شده‌اند. دلیل ملبس به خاک سپردن مرده‌ها، اشیاء زینتی و تزئینی است که در میان بقایا به دست آمده است (Ibid,164).

اشیاء تدفینی:

اشیاء تدفینی مختلف و متنوع می‌باشند، و اشیاء سفالی، مفرغی، آهنی، نقره‌ای، طلایی و سنگی را در بر می‌گیرند. گورهای مردان، مانند گورهای ۱۰۶، ۱۰، ۱۱۶، بیشتر

از اشیاء تدفینی نظیر وسایل مربوط به جنگ مانند ترکش‌های زیبا، گرزهای مفرغی، خنجرها، شمشیرها، تیرها، چاقوها و نوک‌های نیزه و نوک‌های پیکان از جنس آهن را شامل می‌شد. در مقابل گورهای زنان را مانند گور شماره ۱۰۲، بیشتر اشیاء زینتی و تزئینی مانند گردنبند، گوشواره‌های طلایی و نقره‌ای، انگشتری، دستبندها، حلقه‌های برنزی پا (خلخال) تشکیل می‌دادند (Ibid, 165).

ظروف سفالی

ظروف سفالی که قسمت مهم اشیاء تدفینی را در بر می‌گیرند، به دو گروه مهم تقسیم می‌شوند (Ibid, 164-6).

۱- ظروف با جداره ضخیم که عموماً دست ساز بوده و به رنگ قهوه‌ای روشن و خاکستری - قهوه‌ای می‌باشند. این گروه سفال عموماً بدون لعاب تولید شده‌اند. اشکال ظروف شامل گروه‌های زیر می‌باشند: (Vanden Berghe, 1968b).

- فنجان‌ها: به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و خاکستری مایل به قهوه‌ای و قهوه‌ای روشن بوده و اغلب دارای دسته‌اند.

- کوزه‌های کوچک دسته‌دار: اغلب به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و گاهی خاکستری مایل به قهوه‌ای هستند و همواره دسته‌ای در کنار لبه دارند.

- کوزه‌های بزرگ دسته‌دار: به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و خاکستری و در بعضی موارد دارای تزئیناتی از یک یا دو ردیف کنده یا حلقه‌های نقطه‌کاری شده شکاف‌دار اطراف گردن هستند. دسته عموماً از لبه ظرف بالاتر قرار می‌گیرد که شکم‌دار و مدور می‌باشند.

- گلدان‌های بازیافته شکاف‌دار: دارای بدنی مدور به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز همراه با تزئینات شکاف‌دار مرکب از خطوط کروی اطراف گردن می‌باشند.

- کوزه‌های بزرگ با چهار دکمه: به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز مجهز به چهار دکمه تزئین شده به صورت جفت جفت می‌باشند.

قوری ها با نوک کوچک باز:

این قوریها به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و دارای نوک کوچک باز، دسته جانبی دسته‌ای سبدي بوده و گاهی تزئینات حلقه‌ای دارند.

۲- دومین گروه از ظروف سفالین به رنگ خاکستری مایل به سیاه و تعداد کمی به رنگ بژ می‌باشند و گاهی در روی آنها تزئینات کنده هندسی و شکاف‌دار به نمایش گذاشته شده‌اند و برخی از آنها دارای نیم رخی مدور بوده و تقریباً گلابی شکلند، این نوع ظروف گردنی کوتاه و کشیده و لبه‌های بیرون آمده دارند. در میان این گروه از سفال‌ها می‌توان به گلدان‌ها، بطری‌ها و ظروفی به شکل حیوان اشاره کرد.

اشیاء فلزی گورستان ورکبود: شامل ظروف، ابزار جنگی و سلاح‌های تشریفاتی و اشیاء و تزئینی می‌باشند. در بین اشیاء آهنی باید به سلاح‌های جنگی اشاره کرد که همه از آهن ساخته شده و ظروف بیشتر از مفرغ می‌باشند.

اشیاء آهنی

فلز آهن عموماً در تولید جنگ افزارهایی از قبیل خنجرها، شمشیرها، نیزه‌ها، پیکان‌ها و تبرها به کار رفته و طول بعضی از افزارهای جنگی، نشان دهنده روش و تکنیک پیشرفته استفاده از آهن می‌باشند. از میان خنجرها، سه نوع آن قابل تشخیص است:

۱- خنجرهای ساده با تیغه مثلثی کشیده، با دسته‌ای کوتاه و دارای یک دکمه مفرغی در انتهای دسته.

۲- خنجرهایی که دسته آنها شامل میخ مفرغی و یک حلقه مفرغی برای نگهداشتن دسته می‌باشد. خنجرهایی که دسته آنها پوشیده از یک روکش مفرغی است و انتهای دسته به یک تزئین هلالی ختم می‌شود (Ibid, 167).

تبرها نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: تبرهای صاف به شکل خیلی ساده که در ساقه‌ای چوبی فرو می‌رفته‌اند، تبرهای دسته دار به صورت اتصالی که سوراخی کروی

همراه دارند و داخل این سوراخ، دسته نصب می شود. سر نیزه ها همه به شکل ساده و شبیه برگ بوته خرزهره می باشند.

اشیاء مفرغی

تمام اشیاء مفرغی در گروه اشیاء با ارزش قرار می گیرند و این اشیاء، شامل اشیاء زینتی، سلاح‌های تشریفاتی مانند سرگرز، تبر دوسر و تیرکش، ظروف لوکس می باشند. در میان سلاح‌های تشریفاتی، حتی یک پیکان مشاهده نشده است (Ibid,167). و مهمترین سلاح‌های تشریفاتی تیردانها می باشند. روی این تیردانهای مفرغی، تزئینات کروی بر جسته بسیار زیبا در کنار هم ردیف چینی شده و در وسط و بخش بالایی آن نقش‌های گل آفتاب گردان زیبایی خاص به این اثر بخشیده است. با توجه به سوراخهایی که روی تیردانها ایجاد شده است احتمال می رود که تیردان روکشی از چرم داشته است و جالب این که مشابه این نوع تیردان را می توان در روی برخی از مجسمه‌های آشور نو نیز مشاهده کرد (Ibid,168).

تیردان‌های به دست آمده از گورهای لرستان را از لحاظ شکل ظاهری می توان به دو گروه تقسیم کرد که به دوره های متفاوت و مناطق مختلف تعلق دارند. اولین گروه که نمونه ورکبود در آن جای می گیرد از نوع آشوری بوده که در مناطق لرستان و گیلان غرب پیدا شده است.

گروه دوم شامل تیردانهایی می شود که تاثیر هنر آشوری در آن یا خیلی کم است یا وجود ندارد و سبک آن بومی بوده و تاثیر هنر ایلامی در آن آشکار می باشد. گرزهای به دست آمده از گورهای ورکبود را از لحاظ شکل ظاهری و تزئین بدنه می توان به چند گروه تقسیم نمود:

۱- گرز با ساقه استوانه‌ای و مجهز، گلوله‌ای، نیم کروی و گاهی اوقات دارای خمیدگی.

۲- گرز با ساقه‌ای استوانه‌ای که قسمت بیرونی آن ستاره دار می باشد.

۳- گرز با تزئینات برجسته به شکل پرهای ستاره چند پر و بدون ساقه و پرهای ستاره به صورت قرینه.

۴- گرز با ساقه استوانه ای مجهز به گلوله نیمه کروی آهنی و پوشیده شده توسط صفحه ای مفرغی (Ibid,169).

ظروف مفرغی

ظروف مفرغی شامل اشیاء لوکس و تجملاتی، گلدانها، جامها و سیتولها می‌باشند، در گور هر فرد طبقه متوسط، جامی مفرغی وجود داشته که معمولا روی گلدانی بزرگ یا قوری به دست آمده است. در گورهای افراد تهی دست به جای جام مفرغی، جام سفالی قرار داشت. ابعاد این جام عموماً در اندازه‌های ۴-۵ سانتی متر ارتفاع و پانزده تا شانزده سانتی متر پهنا می‌باشند و در انواع مختلف دیده شده‌اند:

اغلب جامها ساده و کم عمق هستند و در داخل، قبه‌ای چکش خورده به صورت دکمه دارند و بطور کلی فاقد تزئینات هستند، ولی گاهی در مرکزشان و اطراف دکمه تزئیناتی متشکل از حلقه‌های قرینه یا برگ گل به صورت حکاکی شده که تزئیناتی به شکل برش‌های دایره‌ای همراه دارند. از این نوع جامها با تزئینات ذکر شده، در چندین منطقه از آشور، سوریه و زنجیرلی در قرون هفتم و هشتم ق.م به دست آمده است (Ibid,169).

جامی با تزئینات حکاکی شده به شکل قاشقی شیاردار و در لبه نوارهای حکاکی شده، زنجیری نظیر ابریشم به هم بافته شده به دست آمده است (شکل ۲). از این نوع تزئینات، روی جام در کار کمیش روی ظروف طلایی و سیتولهای مفرغی کلاردشت، املش، حسنلو و زیویه که همه مربوط به قرون نهم تا هفتم ق.م می‌باشند دیده می‌شود. گلدان‌های با بدنه کروی و صاف تقسیم شده به دو گروه با نسبت‌های مساوی توسط خطوط کروی، گلدان با گردن نسبتاً مرتفع دارای پایه ای با تزئینات مرکب از حلقه‌های قرینه و ستاره شکل حکاکی شده که این نمونه یاد آور بعضی ظروف نیمروود می‌باشد.

یک سیتول مفرغی فاقد تزئینات، دارای پایه‌ای دکمه‌ای که مشابه آن درماری، حسنلو، اوروک وارو به دست آمده است. در میان ظروف مفرغی زیباتر باید به جامی اشاره کرد که دارای تزئینات بسیار زیبای حکاکی شده می‌باشد. تزئینات بدنه خارجی آن مشتمل بر نقش چهار دژ از نوع دژهای آشوری است که بین دژها به تناوب نقش چهار حیوان افسانه‌ای که از نیم رخ نمایش داده شده‌اند، قرار گرفته است (شکل ۳). از این نوع اسفنکس‌ها در روی عاج‌های نیمرود و آثار هنری زنجیرلی و کارکمیش نیز مشاهده می‌شود (Ibid,170).

اشیاء زینتی

این اشیاء که بیشتر از گور زنان بدست آمده است شامل: انگشترها، دستبندها، حلقه‌های پا (خلخال)، سنجاق‌ها، دکمه‌ها و سنجاق قفلی‌ها می‌باشند. سنجاق قفلی‌ها مثلثی شکل و به صورت نیم دایره‌ای مزین به شیارهای کروی شکل می‌باشند. نوک سنجاق قفلی‌ها از جنس آهن بوده و به نظر می‌رسد که از جایش بیرون آمده است. این سنجاق قفلی‌ها همراه سایر اشیاء توصیف کننده اواخر قرن هشتم و به ویژه اوایل قرن هفتم ق. م هستند. اشیاء زینتی شامل گردنبند و گوشواره‌های نقره‌ای به شکل آویز و گوشواره‌های طلایی به شکل هلال می‌باشند (Vanden Berghe, 1972, Fig2).

گورستان چم ژی مومه

این گورستان در فاصله ۴۸ کیلومتری شمال غرب مرکز استان ایلام واقع شده است. در قسمت جنوبی گورستان، رودخانه مومه بر بستر سنگی می‌گذرد و پس از گردش در نزدیکی گورستان، وارد محوطه نسبتاً باز می‌شود، در فاصله یک کیلومتری گورستان، در پیچش (چم) رودخانه، دهکده مومه قرار دارد. گورها در زیر لایه‌ای از رسوب خاک آبرفتی به ضخامت ۲/۵ متر قرار دارند (معمدی، ۱۳۶۵، ۳۵). گورستان بر اثر فرسایش دیواره رودخانه و پیدا شدن آثار چند گور در حاشیه رود، کشف شد. فصل

اول حفاری در اکتبر ۱۹۴۷ انجام شد. وسعت منطقه مورد کاوش ۲۰×۱۵ متر بوده و ۳۹ گور مورد حفاری واقع شده است. دومین فصل حفاری در اوت و اکتبر سال بعد ادامه یافت و ۳۷ گور مورد کاوش قرار گرفت (Vanden Berghe, 1977,54). هر گور از سنگ های واقع شده به صورت بیضی مانند که بین هفتاد تا سی سانتی متر بالای تخته سنگهای رویه گور قرار دارد احاطه شده است. این کمربند بیضی شکل ساخته شده از یک ردیف قطعه سنگ با گور محصور شده هم جهت می باشد. به نظر می رسد که این ردیف سنگ ها نسبت به گورها متعادلند (مانند گورهای شماره ۶ و ۴۹) (شکل ۴). یک یا چند سنگ بر جسته و بالا آمده و اشاره به سر متوفی دارد. این کمربند سنگی، گاهی از حد و حدود خود نسبت به گور خارج شده است و این ناشی از عملی است که در گور به خاطر بستن یا باز کردن به منظور تدفین مجدد جا به جا می شد. آیین بر پایی سنگ ها روی گور هنوز هم در بعضی گورستان های منطقه مشاهده می شود این اولین بار است که در لرستان گورستانی کشف شده که در آن هر گور از محوطه سنگی احاطه شده است. این پدیده در دوره قبل از تاریخ لرستان کاملاً، ناشناخته نیست. در کل - نثار یک گور دسته جمعی مربوط به ۲۶۰۰ ق.م در سال ۱۹۷۰ به دست آمده که در اطراف آن هنوز هم یک حصار به صورت جزء به جزء حفظ شده بود. (Vanden Berghe, 1970a, 66)، این احتمال وجود دارد که دیگر گورستانهای عصر آهن، گورهایشان از حلقه سنگی احاطه شده باشد، از آنجا که آنها به طور کلی در عمق کمی نسبت به سطح زمین واقع شده اند فعالیت های صورت گرفته در سطح زمین در طول قرن ها به علل مختلف قطعه سنگهای اطراف گورها را از بین برده است. با وجود این، به نظر می رسد که این سنت هنوز در گورستانهای معاصر منطقه دیده می شود که یک نمونه آن در گورستان معاصر منطقه پران پرویز، نزدیک پلدختر، شناسایی شد. لازم به ذکر است که سنگ های چیده شده اطراف گورها در قفقاز در اروپای پیش از تاریخ نیز رایج بوده است و حلقه هایی سنگی همسطح یا پائین تر از گورها بدست آمده است. در حالیکه در چم ژی مومه، حلقه های سنگی در سطح خارجی و بالاتر نسبت به گور

قرار دارد (Ibid,54).

گورها از یک چاله ساده که بوسیله چند ردیف سنگ که در چهار طرف گور امتداد دارد، ساخته شده‌اند. روی گور از چند تخته سنگ صاف و مسطح پوشیده شده است. اکثر گورها تنها، یک بار خاکسپاری را نشان می‌دهند که احتمالاً این ویژگی مربوط به عصر آهن III می‌باشد. مرده‌ها با دقت زیاد به‌مراه آنچه که داشتند، به خاک سپرده شده‌اند. اسکلت‌ها حفظ نشده‌اند، معمولاً مرده‌ها را جمع شده و ملبس دفن کرده‌اند. تنها نوع اشیاء تدفینی همراه مرده می‌تواند اطلاعاتی را پیرامون شخصیت و وضع اقتصادی او در اختیار ما قرار دهد.

گورها در یک جهت خاصی نبوده و بیشتر شمالغربی - جنوب شرق یا بالعکس و شمالی جنوبی جهت داده شده‌اند. اگر چه محیط اسیدی گورها، سبب از بین رفتن و تجزیه شدن قسمت اعظم استخوان‌ها شده است، اما شواهد زیادی نشان می‌دهد که اغلب اجساد به حالت خوابیده بر روی یکی از شانها و با پاهای جمع شده دفن شده‌اند. سر اسکلت‌ها در گورهایی که دارای جهت شمالی - جنوبی هستند، در جهت شمال و پاها در ضلع جنوبی قرار دارند. گاهی جسد را به حالت طاقباز و با پاهای جمع شده درون گور گذاشته‌اند. نیز، در گورهایی که جهت شمال شرقی - جنوبی غربی یا شمال غرب - جنوب شرق دارند، سر مرده در جهت شمال و پاها در جهت جنوب گور قرار دارد (معمدی، ۱۳۶۵، ۳۶).

اشیاء تدفینی گورهای زنان و مردان متفاوت است. در گور مردان بیشتر اشیاء مربوط به جنگ و اشیاء تزئینی مانند گردنبندها، مهره‌ها، دستبندها، خلخال و گوشواره‌های نقره‌ای به دست آمده، ظروف سفالی و فلزی هم در در گورهای زنان و هم در گورهای مردان کشف گردیده است.

سفالینه‌های گورستان چم‌ژی مومه:

اکثر ظروف ساده‌اند و تزئینات، شامل شیارهای ایجاد شده توسط ناخن، تزئینات

مقطع و دکمه‌های افزوده می‌باشد. سفال‌هایی با جداره ضخیم به رنگ قهوه‌ای ساده، قهوه‌ای روشن، خاکستری و قهوه‌ای مایل به قرمز که با دست ساخته شده‌اند، فاقد لعاب گلی بوده و شکننده و ترد هستند. رایج‌ترین اشکال جام‌ها، کوزه‌ها، گلدان‌ها با نیمرخ مدور و با دو زبانه مقطع عمودی، قوری‌های نوک دار با دسته‌های جانبی و سبدي، دارای پایه مدور و به ندرت صاف می‌باشند.

سفال‌های ظریف، سبز رنگ روشن گاهی متمایل به قرمز شامل گلدان‌های کوچک با شکم مدور یا یک نوار زیکزاک، گلدان‌های کوچک با بدنه مدور گاهی دارای یک باند تزئینی، قوری‌هایی با آبریز ناودانی، با گردن لوله‌ای و دارای دسته‌سبدي.

سفال‌های ظریف خاکستری سیاه شامل گلدان‌های کوچک مدور با گردن راست و دهانه باز دارای تزئینات مثلثی متقاطع، گلدان‌های گلابی شکل، گلدان‌های با شکم صاف، گلدان‌های کوچک مزین به سه پایه، گلدان‌های کوچک با نیمرخ مدور با دهانه باز، پارچه‌ها و قوری‌ها با آبریز لوله‌ای متصل به گردن (Vanden Berghe, 1977, 60-61).

اشیاء مفرغی گورستان چم‌ژی مومه

اشیاء مفرغی که در ردیف اشیاء با ارزش جای می‌گیرند، شامل سلاح‌های تشریفاتی و ظروف لوکس می‌باشند. و در روی برخی از سلاح‌های آهنی با استفاده از فلز مفرغ تزئیناتی را به نمایش گذاشته‌اند.

سلاح‌های تشریفاتی

۱- گرزها: همه گرزهای چم‌ژی مومه زائده‌ای استوانه‌ای به منظور سوار شدن روی دسته چوبی دارند و دارای تزئیناتی به صورت خطوط بر جسته دایره شکل می‌باشند. سر گرزها، انواع متفاوتی را نشان می‌دهند که عبارتند از:

- ۱) سر گرز با استوانه‌ای که قسمت محدب آن در یک سوم ارتفاع آن واقع شده.
- ۲) گرزها با روپوش استوانه‌ای دنداندار هشت ضلعی، دارای سری به شکل میوه

کاج.

۳) گرز با سر پوش کوتاه و استوانه ای دارای هشت شیار و سری گرد و مجهز به سه ردیف برآمدگی مدور.

۴) گرز استوانه ای و دندانه دار هشت ضلعی.

۵) گرز با سرپوش استوانه ای مزین به سری متشکل از برآمدگی تیز.

۲- سپرها: همه سپرها، کروی شکل و دارای برآمدگی مرکزی می‌باشند. گاهی یک یا دو دایره متحدالمركز با فاصله منظم، دور برآمدگی مرکزی دیده می‌شوند. لبه‌ها برجسته و دارای دو جفت سوراخ کنار هم می‌باشند قطر سپرها بین ۲۷-۳۲ سانتی‌متر متغیر است.

اشیاء زینتی مفرغی گورستان چمژی مومه

این اشیاء، انگشترها، حلقه‌ها، خلخال‌ها، دستبندها و دکمه‌های تزئینی را در برمی‌گیرند. در گورهای چمژی مومه هیچ نوع سنجافی به دست نیامده است. اشیاء تزئینی کنده‌کاری شده، شبیه اشیاء تزئینی ورکبود مزین شده‌اند.

ظروف مفرغی گورستان چمژی مومه

ظروف مفرغی را کاسه‌ها، گلدان‌ها و جامه‌هایی با دیواره عمودی در بر می‌گیرد. جامه‌های ساده مدور بوده و ارتفاعی بین ۴-۷ سانتی‌متر و قطری حدود ۱۳-۱۷ سانتی‌متر دارند. جامه‌هایی با برآمدگی مرکزی، دارای تزئینات حکاکی شده به صورت برگ‌ها و حلقه‌های کوچک می‌باشند. در روی یکی از جام‌ها هنرمند با زبردستی صحنه شکاری را به نمایش گذاشته که بسیار جالب توجه می‌باشد. در صحنه شکار می‌توان به موجودیت دو تیرانداز، چهار بز کوهی، یک خرگوش، یک پرنده و دو درخت اشاره نمود (شکل ۵). در مرکز این جام گل آفتاب گردانی نقره گردیده که دارای ۶۴ برگ بوده و پیرامون گل در راستای طنابی شکل را دایره‌وار، در بر گرفته‌اند که این نوع

تزیین در اطراف لبه جام نیز جلب توجه می‌کند. ظرف استوانه‌ای دیگری با پایه صاف مجهز به دسته‌بندی با تزیینات مربوط به صحنه جنگ به دست آمده که نقوش آن شامل یک دژ یا قلعه با درب ورودی و ارابه‌ای همراه اسبها و چندین تیرانداز می‌شود. از این نوع ظروف در بین‌النهرین دوره آشور جدید نیز به دست آمده است (Vanden Berghe, 1977,61).

اشیاء آهنی گورستان چم‌ژی مومه

آهن که از سختی خاصی برخوردار می‌باشد، عموماً در ساختن جنگ افزارها مورد استفاده قرار گرفته است. سلاح‌های آهنی شامل: شمشیر، خنجر، نوک پیکان و تبر می‌شود. به استثنای هفت عدد نوک زوبین، هیچگونه جنگ افزار مفرغی به دست نیامده است. شمشیرهای به دست آمده از گورها را بر اساس شکل ظاهری و تزیین دسته‌ها می‌توان به سه گروه تقسیم کرد (شکل ۶):

- ۱- شمشیرهایی که دسته آنها به هلالی، ختم می‌شود و از مفرغ است.
 - ۲- شمشیرهایی که دسته آنها به صلیبی ختم می‌شود و با میخهای مفرغی تزیین شده است.
 - ۳- شمشیرهایی که دسته آنها به شکل ساقه‌ای گرد است و با یک دکمه مفرغی تزیین شده است.
- خنجرها نیز به همین شکل بوده و تنها اختلافشان، در اندازه های کوچکترشان می‌باشد.

تبرها سوراخی کروی دارند که دسته‌ای چوبی در آن جای می‌گیرد. نوک‌های زوبین‌ها همه به شکل ساده و شبیه برگهای سدر می‌باشد (Vanden Berghe, 1987,162). اشیاء تدفینی گورستان چم‌ژی مومه شباهت فراوانی به اشیاء تدفینی دیگر گورستانهای عصر آهن III در لرستان دارند. این تشابه را می‌توان در گورستان ورکبود، گورستان سرکبود و سایر نقاط ایران همچون گورستان حسنلو III و IVB نیز مشاهده کرد.

مطالعه‌ای مقایسه‌ای نشان می‌دهد، که گورستان چم‌ژی مومه باید در نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن هفتم ق.م تاریخ گذاری شود. سنجاچه‌های مزین به حیوانات و دستبندهایی با سرهای حیوانی شکل، مطمئناً به عصر آهن I و II تعلق دارند. سنجاچه‌های تزئینی بوسیله دکمه‌ها جایگزین سنجاچه قفلی می‌شود. ظروف لوکس مفرغی با تزئینات حکاکی شده مربوط به عصر آهن III و مختص چم‌ژی مومه‌اند می‌باشد. احتمالاً تنها در آغاز عصر آهن III است که قبایل ایرانی در پشت‌کوه لرستان نفوذ کرده و این نظریه با گسترش سفالهای خاکستری مایل به سیاه که پیش از این در منطقه وجود نداشت تایید می‌شود (Vanden Berghe, 1977, 63).

معماری و ساختار گورها در نیمه اول هزاره اول ق.م

نتایج گزارشهای کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه لرستان، موید این است که به جز گورستان تپه تلیاپ و چند نقطه دیگر، تمامی گورهایی که در این منطقه مورد کاوش قرار گرفته‌اند در خارج از محل مسکونی کشف شده‌اند. و از نظر ساختار معماری به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

گورهای سنگی اطاقی شکل: در این گورها، اغلب چهار دیوار سنگی با طول ۱/۵-۲ متر و عرض ۱/۸-۱/۲ متر و عمق ۱-۰/۵ متر دیده می‌شود. بعضی از گورهای اطاقی شکل، دارای درب ورودی به صورت یک لنگه و یا دو لنگه ساخته شده از تخته سنگ می‌باشند. مانند گور شماره ۶۸۹ در بردبال (Vanden Berghe, 1973, 12). سقف این گورها از تخته سنگهایی به صورت مسطح پوشیده شده است. در بعضی موارد، هر ضلع از دیوارهای این نوع گورها در بردبال، شورابه، کل ولی، ورکبود، جویی گوهر و چم‌ژی مومه بدست آمده است. ضمناً آنکه واندنبرگ، گورهای سنگی و اطاقی شکل در عصر آهن III (۷۵۰/۶۰۰-۸۰۰ ق.م) رابه گورهای نوع ورکبود نامگذاری کرده است و آنها را به چهار نوع تقسیم می‌کند (Vanden Berghe, 1987, 211).

گورهای سنگی بیضی شکل: از این نوع گورها، در گورستان چم‌ژی مومه به دست

آمده است و ساختار آنها به این صورت است که حلقه ای از سنگ در سی تا هفتاد سانتی متری بالای سقف گورها ساخته شده و تمام گورهای این گورستان، این حلقه سنگی بیضی شکل را دارند. گورها به صورت چاله‌های ساده‌ای هستند که در زمین کنده شده و با ابعاد و عمق‌های مختلف که بوسیله ردیف قطعه سنگ‌ها، به صورت چهار ضلعی محصور شده‌اند. همچنین گورهای شماره‌های ۷۰، ۸۰ و ۵۱ بردبال بیضی شکل، ولی فاقد دیواره سنگی بالای گورها می‌باشند. (Vanden Berghe, 1973, 13).

گورهای حفره‌ای: در بردبال، ورکبود، چغاسبز، چغامایل بک و خاتون بان از این نوع گورها، یافت شده‌است. گورها به طرز خیلی ساده در داخل خاک کنده شده و دارای هیچگونه بافت معماری خاصی نیستند و به شکل بیضی یا مستطیل می‌باشند. گورهای شماره ۵۶، ۶۶، ۳۳، ۵۷ و ۴۹ از نوع حفره‌ای ساده بدون پوشش می‌باشند (Ibid, 1973a, 12). در گورستان ورکبود تعداد گورهای حفره‌ای ساده با گورهای سنگی اطاقی شکل برابرند (Vanden Berghe, 1968a, 163). در چغاسبز در ترانشه (LT) تدفین شماره دو، گور حفره‌ای ساده‌ای به دست آمده که سن و جنس صاحب گور مشخص نشده است. گورهای شماره ۸۵، ۹، ۶، ۲۸، ۴۷، ۵۹، ۵۶، در بردبال از نوع حفره‌ای ساده ولی با پوشش سنگی می‌باشند.

گورهای دایره‌ای شکل: این نوع گورها، معمولا از لاشه سنگ و به صورت دایره‌ای ساخته شده‌اند. گورهای شماره‌های ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۲۳، ۵۳، ۶۹، ۵۶ بردبال از این نوع می‌باشند، و کف این گورها از خاک کوبیده شده ساخته شده است (Vanden Berghe, 1973a, 12). همچنین در گورستان لیلیم، در نزدیکی شهرستان پلدختر، دو نمونه از این گورها با قطر حدود ۱/۳۰ متر دیده شد. این قبور متاسفانه مورد حفاری غیر مجاز قرار گرفته‌اند.

گورهای خمره‌ای: در گورستان تلیاب، بردبال کزآباد، کوزه گران و کموترلان از این نوع گورها بدست آمده است. در تلیاب گورهای خمره‌ای به وسیله دیوار کوتاهی از گورهای چهار چینه‌ای جدا شده بود. مجموعا بیست و یک گور خمره‌ای در تلیاب

به دست آمده است که خمره‌ها در لایه‌ای از خاکستر دفن شده بودند (معمدی، ۱۳۶۵، ۴۱). در بردبال، در گورهای شماره‌های ۴۲ و ۶۳ خمره‌هایی به دست آمده که حاوی اسکلت بودند. در جوبی گوهر، در گور شماره بیست و یک اسکلت زنی در داخل خمره‌ای به ارتفاع نود سانتی‌متر به دست آمده است، در خارج از خمره اشیاء تدفینی نیز دیده شده‌اند (Vanden Berghe, 1987, 217)

وضعیت و چگونگی تدفین مردگان

از آئین‌های مربوط به تدفین مردگان باید به قرار دادن اشیاء متنوع و مختلف در کنار مرده، گذاردن خوراکیهای همراه متوفی داخل گور در چغامائیل بک (Stine, 1940)، شفا (Eschmidet, 1989)، چمژی مومه (Vanden Berghe, 1977, 1975a)، ورکبود (Vanden Berghe, 1987) اشاره کرد. واندنبرگ اشاره می‌کند که در گورستان دار تنها استخوانها به صورت بیرحمانه‌ای سوزانده شده‌اند (Vanden Berghe, 1970b, 23). در ترانسه M7 چغاسبز (گورهای شماره یک و دو) علت نبود اسکلت را، احتمالاً سوزاندن آن می‌دانند که این مطلب با وجود آثار سوختگی نزدیک اشیاء و گورها به یقین نزدیک‌تر می‌شود (Schmidet, 1989, 23).

قرار گرفتن اجساد در گورها همه به یک وضعیت، نبوده بلکه در وضعیت‌های مختلفی می‌باشند. ولی با بررسی و دقت نظر در نحوه تدفین، متوجه می‌شویم که نحوه تدفین مردگان در گورها به سه طریق بوده است:

۱- تدفین مردگان به پهلو چپ.

۲- تدفین مردگان به پهلو راست.

۳- تدفین مردگان به حالت طاقباز.

همچنین جهات تدفین مردگان، اغلب شرقی - غربی است، ولی جهات دیگر مانند:

غرب به شرق، شمال غرب به جنوب شرق، شمال شرق به جنوب غرب و شمالی - جنوبی نیز دیده می‌شود.

نحوه قرار گرفتن اشیاء در داخل گورها

موقعیت اشیاء و هدایای تدفینی داخل گور، از قانون معینی پیروی نمی‌کند. به طور کلی اشیاء زینتی مانند گوشواره‌ها، حلقه‌ها، موبندها، انگشترها، دستبندها، گردنبندها و حلقه‌های قوزک پا را در قسمت‌هایی می‌بینیم که توسط متوفی، به عنوان زینت نگهداری می‌شده است. البته تشخیص قطعی و دقیق چنین امری به علت فرسودگی کامل اسکلتها مقدور نیست. این وضعیت برای اسلحه‌ها که همیشه همراه متوفی در زمان حیات نبوده، وجود ندارد (Vanden Berghe, 1987, 224). در گور شماره چهل جویی گوهر، سپر و گرز نزدیک پاها قرار داشت در ورکبود، گورهای شماره‌های ۵، ۱۰، ۲۶، ۳۸، ۴۶، ۵۹، ۱۰۳ و ۱۴۰ در چم‌ژی مومه (گورهای ۱۶، ۱۷، ۲۶، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۷۲، ۷۶) اشیاء سفالی در نزدیک پاها قرار داشتند. در گیان، خنجرها در بالا یا زیر سر یا جلو صورت و در بعضی مواقع زیر دست راست و چپ گذاشته شده‌اند (طلایی، ۱۳۷۴، ۱۵۳). گلدانهای به شکل قمقمه، مربوط به آیین تدفین بوده و در ورکبود کنار دست مرده و در جویی گوهر در نزدیک پاها یا قسمت پشت متوفی دیده شده‌اند (Vanden Berghe, 1989, 225). به نظر برخی از محققین ظروف قرار داده شده در نزدیک دست، مربوط به غذای مرده برای استفاده در دنیای دیگر است، ولی این هدایا که اغلب خوردنی و آشامیدنی بوده‌اند، در ورکبود در گورهای، شماره‌های ۸۴، ۱۰۶، ۱۱۶، ۸۱ در بالای گور یا خارج از آن نهاده شده‌اند (Ibid, 224). در چغاسبز تدفین شماره یک واقع در ترانشه L7، ظروف لوله‌دار به طرز رقت انگیزی نزدیک جمجمه متوفی قرار داده شده‌است (Schmidet, 1989, 23). بیش از نیم قرن مطالعات باستان‌شناسی در لرستان نشان می‌دهد که صاحبان گورها همگی کوچ نشین بوده و یا در ساختمان‌های بسیار سبک زندگی می‌کرده‌اند که این ساختمان‌ها از بین رفته‌اند. به نظر می‌رسد سنت تدفین در هزاره اول ق.م (عصر آهن) که تداوم سنت تدفین عصر مفرغ باشد. اکثر گورستانها پرت و دور افتاده می‌باشند و ارتباطی با زیستگاه ندارند (Vanden Berghe, 1987, 203). همچنین تمام گورستانها در ارتباط با نهر آب قرار دارند (Ibid, 1987, 207).

مهمترین گورها و غنی ترین آنان در برجسته ترین قسمت گورستان واقع شده اند. در گورستان، گورها به هم نزدیک هستند و در بعضی مواقع مکان‌هایی در میان گورستان خالی از هر نوع گور دیده می‌شود که ممکن است این فاصله برای مشخص کردن حریم گورهای یک فامیل یا طایفه باشد به هر حال، ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که برای ایجاد یک گورستان، نظام و برنامه‌ای از پیش تعیین شده دخیل بوده یا طرح مقدماتی پی‌های سنگی مربوط به دیوار برای جدا کردن و محصور کردن گورها دیده شده، که این ممکن است مربوط به سنتی قدیمی و پایدار باشد. همچنین تدفین کودکان و زنان در یک گورستان طوری که احساس شود هر قسمت از گورستان تعلق به تدفین سن و جنس خاصی دارد دیده نشده است. به هر حال اعمال مذهبی مربوط به فرهنگ تدفین، تابع تغییرات و تحولات ساختار اجتماعی بوده و این سنت، ویژگیهای فرهنگی اقوام چادرنشین منطقه لرستان را نشان می‌دهد که با گله‌هایشان پیوسته از منطقه‌ای به منطقه دیگر در پی جستجوی مراتع و مرغزارهای دره‌های کم عمق بوده‌اند و از این رهگذر و همچنین از طرق دیگر یعنی شکار و اشتغال به کشاورزی امرار معاش می‌نمودند. و جالب توجه اینکه بر اساس اشیاء تدفینی که از گورهای منطقه بدست آمده و همانگونه که در بالا نیز روشن گردید نفوذ فرهنگ بیگانه بر خلاف منطقه خوزستان و شمال غربی ایران در منطقه لرستان کمتر مشاهده می‌شود و علت این امر را باید در جنگجو بودن ساکنین منطقه و غنی بودن طبیعت منطقه جستجو کرد: زیرا جنگ افزارهای بدست آمده از داخل گورها و مراتع و مرغزارها و جنگلهای انبوه امروزی نیز مهر تاییدی است بر این مدعا. و تنها در آغاز عصر آهن III بعلت شکل گیری یک امپراتوری واحد در ایران توسط مادها و متحد شدن ساکنین منطقه لرستان با این امپراتوری، بتدریج نفوذ و گسترش فرهنگ سفال خاکستری قبایل ایرانی در پشت‌کوه لرستان، خود را نشان می‌دهد. بهر حال بر اساس اجساد متوفی و اشیاء تدفینی و هدایای گورها، حداقل می‌توان جنسیت و مشاغل انسانهای ساکن در منطقه لرستان را بویژه در عصر آهن تا حدودی روشن کرد. در میان اشیاء تدفینی، سفال در شناخت

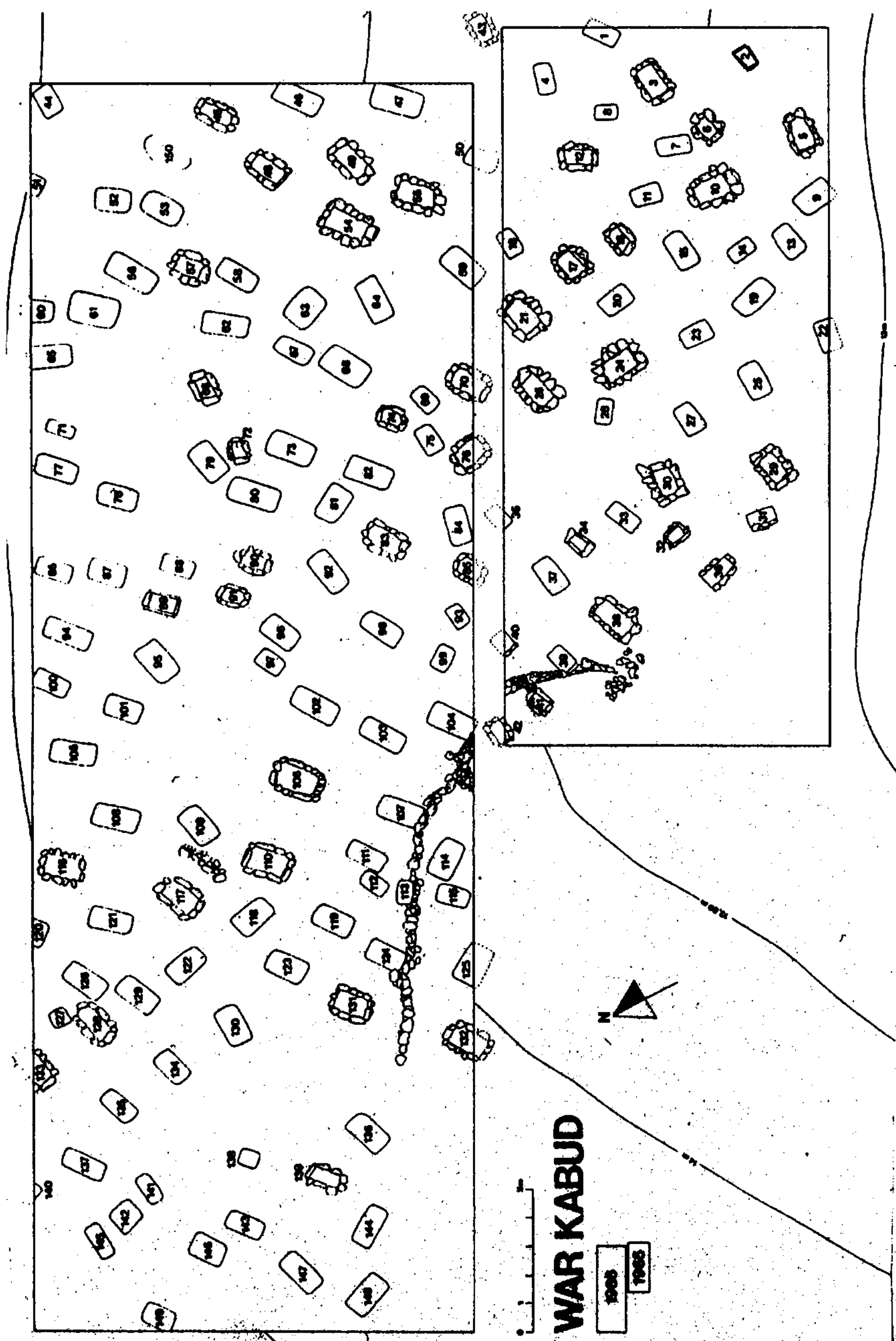
جنسیت و موقعیت اجتماعی شخصی مرده، کمترین نقش را میتواند داشته باشد زیرا تنها ظروف سفالین حیوانی شکل فقط در گورهای مردان و ظروف سفالین دو و یا سه قلو تنها از داخل گورهای زنان به دست آمده است. ولی بر اساس موجودیت جنگ افزارها در کنار تدفین، از قبیل گرزها، سپرها، تیردانها و کلاه خودها، شکی در مرد بودن و بویژه جنگجو بودن صاحب گور باقی نمی‌گذارد. از طرفی حضور اشیاء زینتی در گور، بدون شک زن بودن او را، برای ما روشن می‌سازد. با وجود این، گاهی وجود گوشواره و دستبندهای فلزی گورها، کاوشگر را دچار سر در گمی می‌کند، زیرا در برخی از گورهای ورکبود، چم ژی مومه و جوب گوهر با وجود اینکه تعلق آنها به مردها ثابت شده است ولی گوشواره و دستبندهایی در کنار مرده بدست آمده است. البته علت این امر کاربرد، اشیاء زینتی فوق توسط مردان در زمان حیات خود بوده زیرا در نقوش برجسته آشور نو و در نقوش برجسته پلکانهای آپادانای تخت جمشید کاربرد این نوع اشیاء به وسیله آشوریها و هخامنشیان یک امر عادی می‌باشد.

گورهای کودکان را بر اساس ابعاد کوچک و اشیاء تدفینی بسیار کم میتوان از قبور بزرگسالان تشخیص داد. جالب توجه این‌که هیچ‌یک از اشیاء کاربردی یویژه سلاح‌های مفرغی و آهنی از قبور زنان بدست نیامده در صورتی که در کاوشهای تپه حصار از طبقه III گورستانی بدست آمده و از داخل یکی از گورها که مربوط به یک زن می‌باشد به جنگ افزارهای مفرغی برخورد شده است. موجودیت دکمه‌های فلزی در گورها، بقایای پوشیده لباس، پارچه و نمد در کنار اسکلت تدفین با لباس و یا کاربرد کفن را، در اجساد بخوبی روشن می‌سازد. غنی و فقیر بودن اشیاء تدفین و شکل ساختار قبور، موقعیت اجتماعی و زندگی طبقاتی ساکنین لرستان را در عصر آهن نمایان می‌سازد، برخی از اشیاء تدفین در گورها مشاغل صاحبان آنها را روشن کرده و از طرفی با توجه به کمیت و کیفیت و نوع اشیاء و هدایای تدفینی و ویژگیهای ساختار قبور، می‌توان موقعیت اجتماعی و ساختار اقتصادی و حتی شغل شخص متوفی را، ارزیابی کرد.

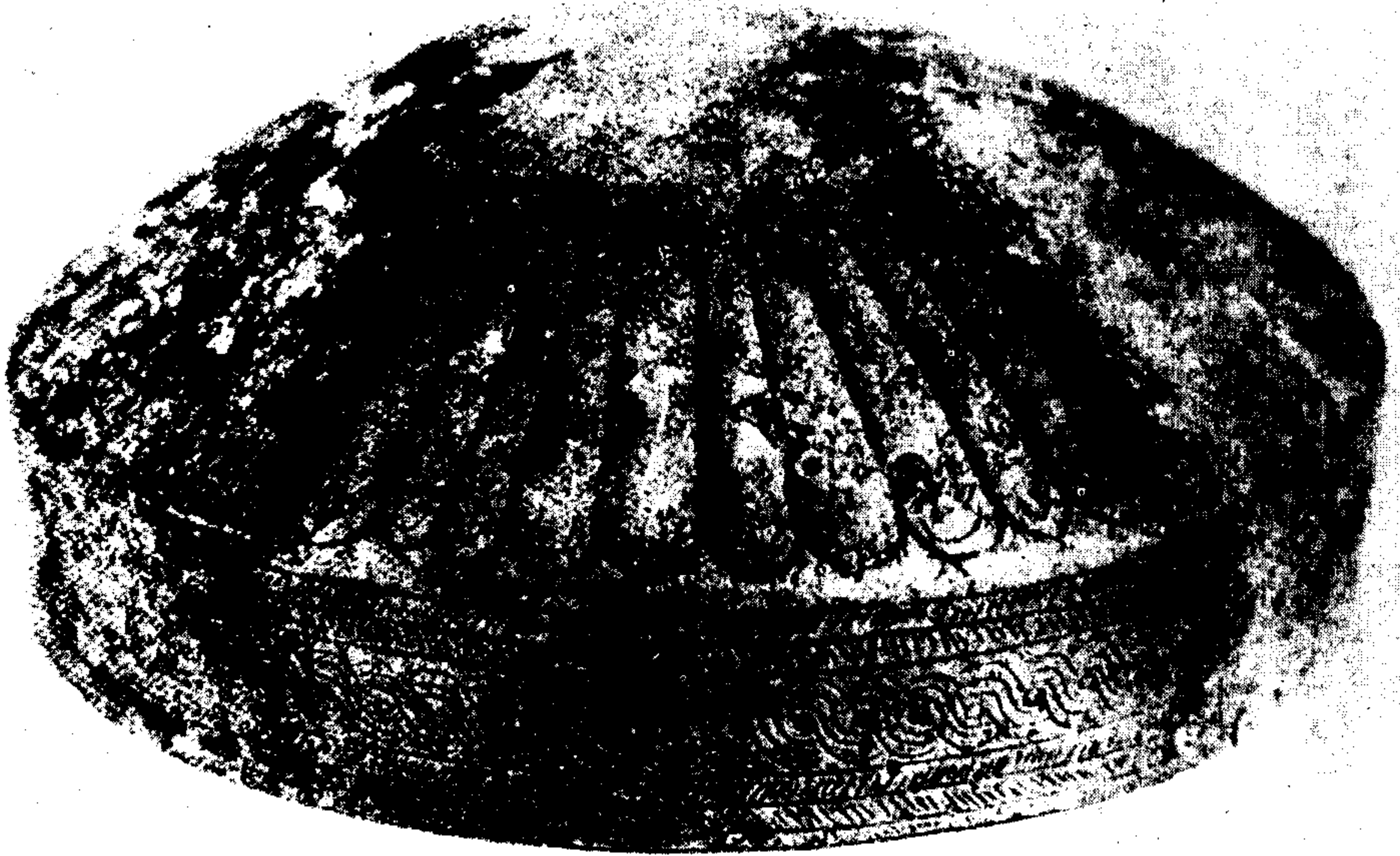
نتیجه‌گیری:

بعلت کوهستانی بودن منطقه لرستان و سرمای سخت و طاقت فرسایی که دارد، در دوران پیش از تاریخ کمتر دست خوش تغییر و تحولات فرهنگی گردیده است. با وجود این، کاوشهای باستان‌شناسی که از سال ۱۹۶۵ به این طرف در پشت‌کوه لرستان انجام یافته است، موجودیت قبرستانهایی را از دوره قدیم عصر مفرغ تا عصر آهن III روشن نموده و از میان دورانهای فوق، فرهنگ عصر آهن III بهتر از دورانهای دیگر شناخته شده و این کاوشها، مطالعه بیش از ۶۰۰ گور را، بویژه از دوره عصر آهن III، فراهم نموده است. بهمین لحاظ در این پژوهش، برای روشن شدن وضعیت گورستانها، ساختار گورها و اشیاء تدفینی در خلال نیمه اول هزاره اول ق.م. بویژه در منطقه پشت‌کوه لرستان، کنکاش صورت گرفته و ویژگیهای گورستانها، ساختار معماری گورها، اشیاء تدفینی و سنت‌های بخاک سپاری مردگان روشن گردیده است. براساس این پژوهش، روشن می‌شود که سنت‌ها، عرف و عادت و کلاً فرهنگ تدفین، در عصر آهن رویهمرفته تداوم سنت‌های تدفین عصر مفرغ بوده است. با وجود این، با توجه و دقت بیشتر به شیوه‌های تدفین و بررسی جزئیات و مطالعه دقیق پیرامون ساختار گورها و اشیاء تدفینی، می‌توان به تفاوت‌های ناشی از تغییرات فرهنگی و قومی در این گورها پی برد. در عصر آهن، بویژه در دوره‌های II و III تدفین در داخل گورها، اکثراً انفرادی بوده و تدفین‌های دو یا سه نفره نیز در این گورستانها شناسایی شده است. در کنار این گورها گورهای سنگی هستند که از ابعاد بیشتری برخوردارند و در طول زمان، دهنه این گورها باز گردیده و اجساد دیگری با اشیاء تدفینی در کنار تدفین‌های قبلی دفن کرده‌اند. از لحاظ معماری ساختار گورها متنوع بوده و ابعاد آنها یکسان نمی‌باشد. احتمالاً اطراف گورستانها با دیوارهای سنگی محصور شده و گورهای داخل آنها در اشکال: اتاقی، بیضوی، دایره‌ای و ساده‌خاکی بوده و گور خمره‌هایی نیز در میان گورها بدست آمده است. در قرار دادن اجساد در داخل گورها جهت خاصی در نظر گرفته نشده ولی در برخی از گورستانها، سرمرده بسوی رودخانه جهت بندی شده است.

احتمالاً اجساد با لباس دفن شده و اشیاء تدفینی و هدایا در قسمت‌های مختلف اجساد، بویژه در پیرامون سر مرده جاسازی شده‌اند که از آن میان می‌توان به ظروف سفالین، اشیاء تزئینی مفرغی و جنگ افزارهای آهنی اشاره کرد. ظروف سفالین بدست آمده از گورها در اشکال و اندازه‌های مختلف، دست‌ساز و چرخ‌ساز بوده و در رنگهای قهوه‌ای، بژ، نخودی و خاکستری تیره می‌باشند. از ظروف سفالین شاخص این گورها، می‌توان به ظروف گلابی شکل، پایه‌دار، ظروف با لوله ناودانی، ظروف لوله‌دار با دسته سبلی و ظروف حیوانی شکل اشاره نمود. غنی و فقیر بودن اشیاء تدفینی و ساختار قبور، چگونگی وضع اجتماعی و زندگی طبقاتی ساکنین لرستان را در خلال عصر آهن روشن می‌سازد و از طرفی با توجه به برخی از هدایای تدفینی، حتی مشاغل اشخاص متوفی را نیز می‌توان ارزیابی کرد. با ملاحظه کل گورهای مورد پژوهش و اشیاء تدفینی آنها، بنظر می‌رسد که بیشترین گورهای متعلق به جنگجویان در گورستان چم‌ژی مومه، ورکبود و تعداد کمی نیز در گورستان سرکبود بدست آمده است. در گورستان جوب گوهر قبرها شماره ۳۰ و ۴۰ متعلق به افراد جنگجو می‌باشد و اشخاص دفن شده در این گورستانها احتمالاً چادرنشین و عشایری بوده‌اند که از طریق دامداری، شکار، فلزگری و بطور محدود کشاورزی امرار معاش می‌کردند.



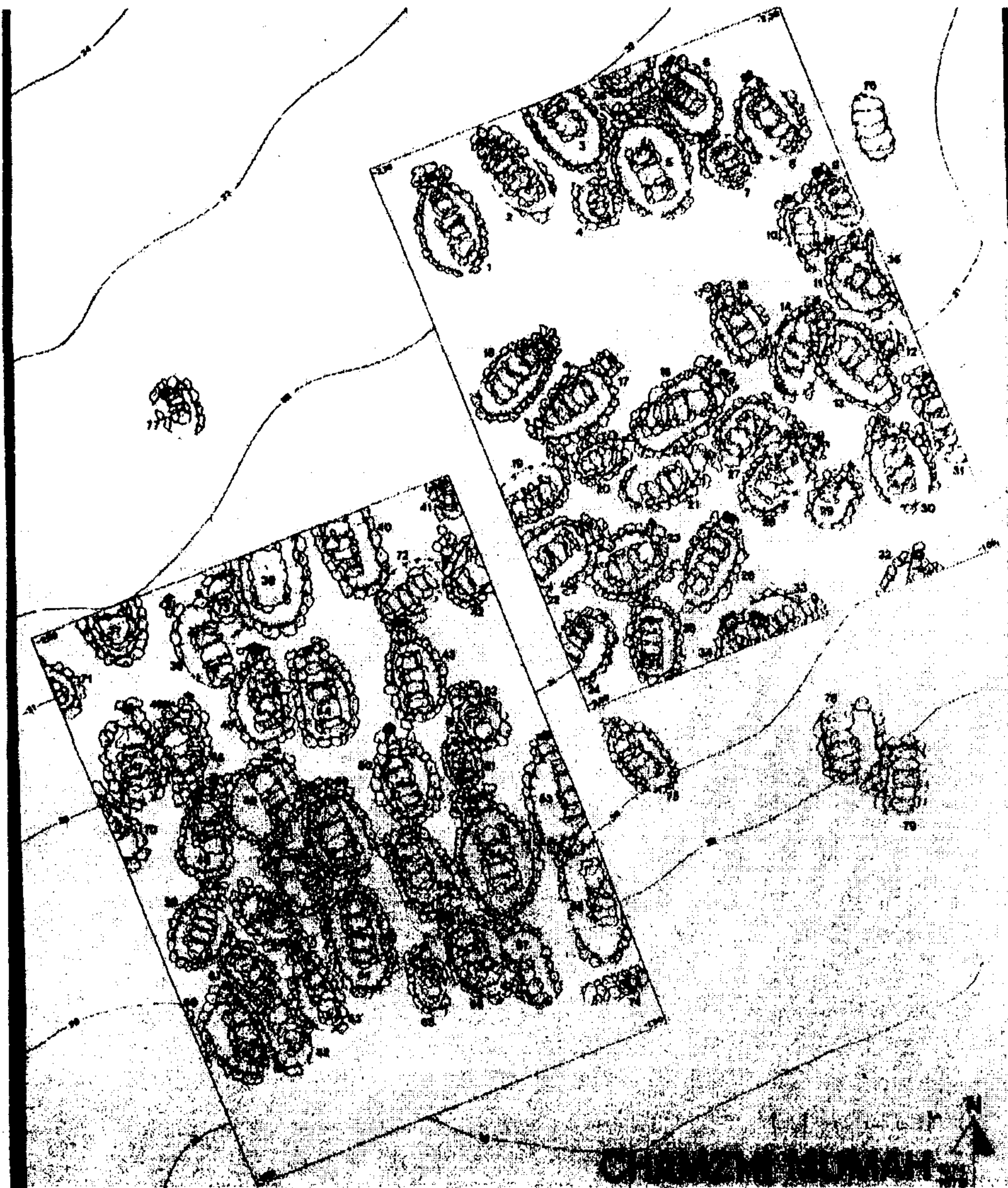
شکل ۱- طرحی از گورهای گورستان ورکبود بعد از باز شدن گورها



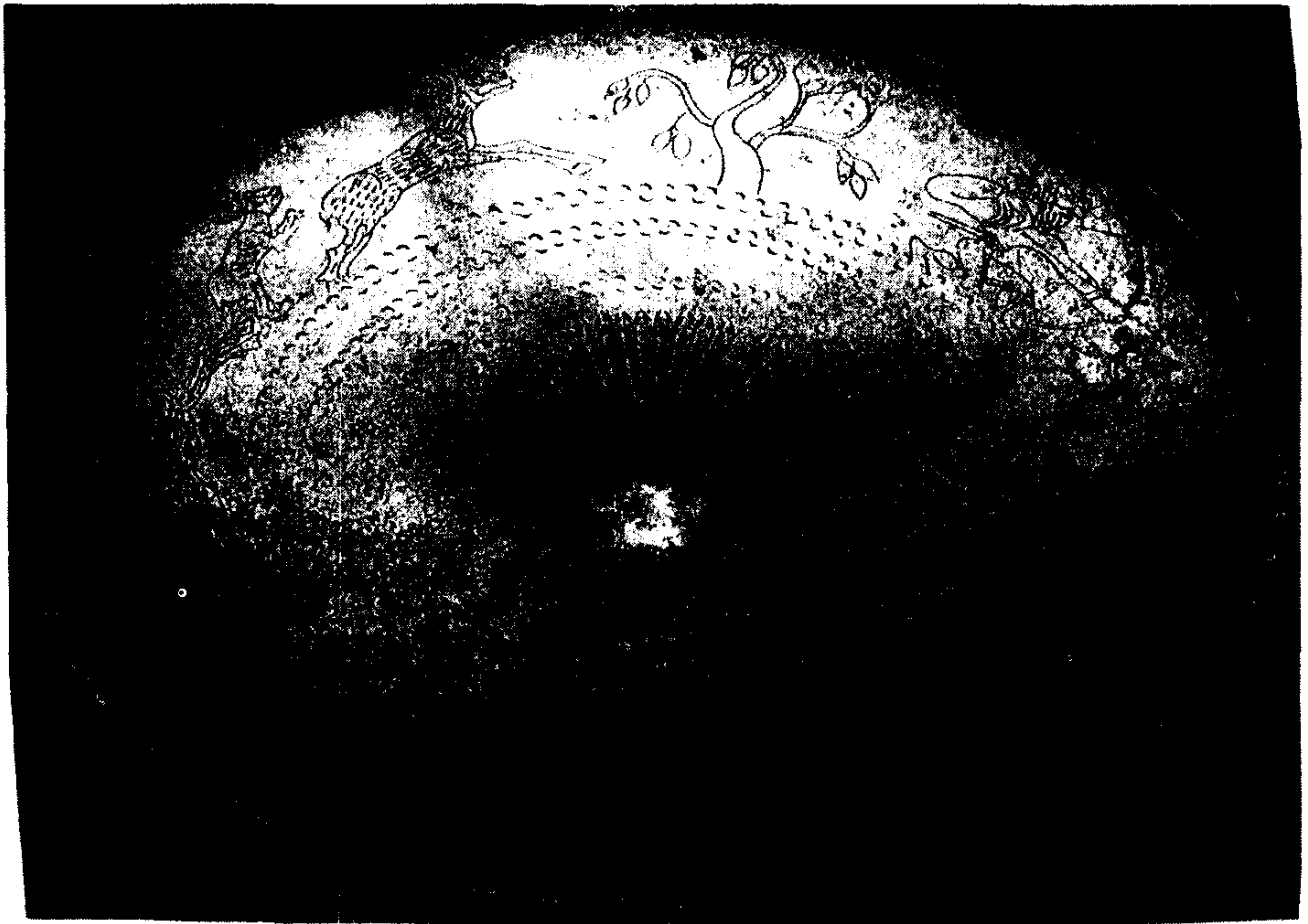
شکل ۲- ظرف فلزی همراه تزئینات از ورکبود



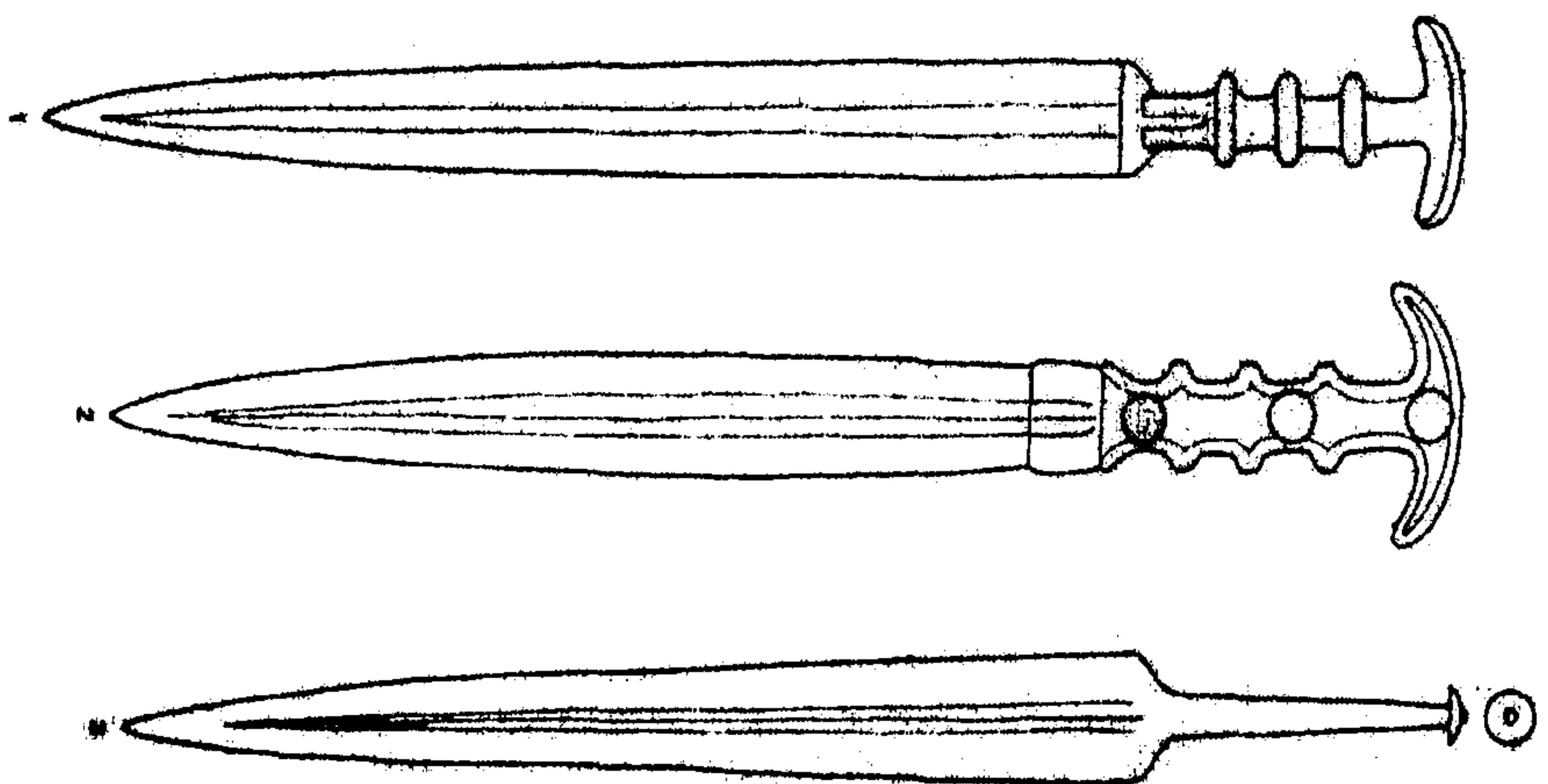
شکل ۳- ظرف فلزی با تزئینات حیوان افسانه‌ای و دژ از ورکبود



شکل ۴- طرحی از گورهای گورستان چمژی مومه قبل از باز شدن



شکل ۵- جام برنزی با صحنه شکار از چم‌ژی مومه



شکل ۶- انواع شمشیرهای مکشوفه از گورهای لرستان

فهرست منابع:

- ۱- قاسمی؛ فرید، مفرغ لرستان، ج ۱، خرم آباد، انتشارات پیغام، ۱۳۷۵.
- ۲- طلایی؛ حسن، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- ۳- معتمدی؛ نصرت، آئین تدفین در لرستان هزاره اول پیش از میلاد، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ۱۳۶۰، صص ۴۲-۴۳.
- 4-Schmidt, E. Vanloon, M. curvers, H; 1989., The holmes Expedition to Lourestan, 2 vol, Chicago, pp 16-63.
- 5-Stine, S.O; 1940, old Routs in western Iran, Press, New York.
- 6-Vanden Berghe. L; 1968b, Het Archeologisch onderzoek Noor De Branscultur Van Luristan, Opgravingen In pusht-ikouh, kalwale En warkabud (1965 en 1966) Les Recherches Archeol giques Dans le Luristan Fouilles Dan Le pusht-i- kouh kalwali et warkabud, Brussel, 1968b.
- 7- Luristan propection Archeologiqu Dans La Rigion de Badr. Archeologia, No.36, p.16-26, 1970b.
- 8- Le Necrapoled de Bard-I-bal Au Luristan, Archeolgia, No. 43, p.15-25, 1971c.
- 9-Recherches Archeologiques ans le Luristan, Fouilles a Bard -i- bal at payikal, Iranica Antiqua, Vol X, p.12-20, 1973a.
- 10-Excavition in chamahzy Mumah in pusht -i- ikouh Luristan. Priceeding of the Annaai symposium on Archaeological Reserch in Iran. Musum of Iran Bastan. Tehran, Iran, 1975a.
- 11-Le Necropole De chamahzy Mumah Archeologia, No, 108, 1977.
- 12-Les pratiques Funerairessa Lage de far III our pusht-ikouh Luristan, Necropoles Genre Warkabud Iranica Antiqua, Vol. XXII,1987.
- 13-Recherches Archeologiques Dans Le Luristan. Iranica Antiqua. Vol.X p14, 1972.
- 14-Le Necropole de kalleh Nisar. Archeologia, N032 pp 15-66, 1970a.
- 15-Recherches Archeologique Dans Le Luristan, Cinqieme Campagne, 1969, Prospections Dans Le Pusht-i-kuh Centra, Iranica Antiqua, vol. IX. Fig 2, 1972.
- 16-Le Necropol de Banisurmah Nour Dune Civisation de Bronze Archeologia No. 28, 1968a.
- 17-Excavation in Banisurmah, Iran, vol, VII, 1968a.
- 18-Excavation in posht-i- kouhe Luristan; Iran, vol. IX, 1971a.